



جمال شورهچ (فیلمساز)

ابوالقاسم طالبی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز)

شهرویار بحرانی (فیلمساز)

پرویز شیخ طادی (فیلمساز)

نادر میرباقری (فیلمساز)

حسین یاری (بازیگر)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی قلیه (بازیگر)

ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز)

فرخ‌الله سلحشور (فیلمساز)

هادی محمدیان (یوتوبان)

مجید مجیدی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

جواد رضانقی (فیلمساز)



شبهه ما می‌شوی یا محکومی به نابودی!

فاطمه قاسم‌آبادی

در بین ساخته‌های غربی و به‌ویژه هالیوودی، همیشه سهم قابل توجهی برای دفاع از یهودیان و نشان دادن مظلومیت آنها وجود دارد. در این ساخته‌ها از اتفاقات جنگ جهانی دوم و افسانه‌های هولوکاست گرفته تا رفتار ظالمانه بقیه مردم نسبت به یهودیان این زمان، همیشه داستان سرایی‌های بسیاری شده است.

البته حدود یک دهه‌ای می‌شود که این ساخته‌ها تنها مظلومیت یهودیان را به تصویر نمی‌کشند و سازندگان متوجه شده‌اند که باید تغییراتی در چهره این مظلومان همیشگی، ایجاد کنند تا بتوانند با توجه به اخبار ظلم و آدم‌کشی صهیونیست‌ها در اسرائیل، مورد پذیرش مخاطبین غربی قرار بگیرند.

در راستای همین تغییرات در حال حاضر شخصیت‌های یهودی در سینما و تلویزیون دیگر مانند قبل لگدمال شده و تحت بستم نیستند و به‌جایش آنها را به صورت مردم بی‌توا و در عین حال شجاعی به تصویر می‌کشند که برای نجات آرمان‌های خود مجبورند معمولاً قوانین انسانی را زیر پا بگذارند تا از نابودی حقی بزرگ‌تر جلوگیری کنند!

مینی سریال «غیرآرتدکس» به کارگردانی «ماریا اسکادر» محصول سال ۲۰۲۰ است و در آن با به تصویر کشیدن زندگی زنی از شاخه یهودیان ارتدکس و زیر سوال بردن سبک زندگی این یهودیان که در دنیا به مخالفت با سیاست‌های رژیم صهیونیستی شناخته می‌شوند، می‌پردازد.

از نیویورک به آلمان

داستان مینی سریال غیرارتدکس، در مورد زندگی دختری یهودی به نام «استر» است که از شاخه یهودیان ارتدکس ساکن در منطقه «ویلیامزبرگ» نیویورک است. این دختر که در اجتماعی به شدت سنتی و مذهبی زندگی می‌کند، در زندگی با همسرش که کاملاً سنتی با او ازدواج کرده، به مشکل خورده است و به همین خاطر هم از بین مرمتش فرار می‌کند و به برلین می‌رود تا هم مادرش را که سال‌ها قبل از اجتماع آنها خارج شده ببیند و هم تجدید میثاقی داشته باشد با خانواده مرده مادربرزش که طبق گفته او، همگی در جنگ جهانی دوم و به دست نازی‌ها کشته شده‌اند.

در بین راه استری می‌فهمد که حامله است اما تصمیم می‌گیرد به راهش ادامه دهد و فرزندش را در بین آن آدم‌های سنتی به دنیا نیاورد. از طرف دیگر ماجرا «پانکی» همسر استر که هیچ شناختی از دنیای مدرن ندارد، به همراه «مویشه» پسر عموی استر به دنبال او می‌آید. مویشه که به بیشتر قوانین مذهبی و سنتی اجتماعشان پشت کرده، به پانکی کمک می‌کند تا به آلمان برود…

کلیشه هولوکاست و تضاد بین دو فرقه

در سریال «غیر آرتدکس»، مخاطب می‌بیند که از همان ابتدای ماجرا، این سریال به جنگ جهانی دوم و ماجرای هولوکاست پیوند می‌خورد و داستان این یهودیان محافظه‌کار تا حدودی مردم‌گریز، به گذشته‌های دردناک پیوند خورده است. برای هر کتک تین سریال باید عنوان کرد که یهودیان سه شاخه مهم دارند: سفاردین‌ها، ارتدکس‌ها، اشکنازی‌ها (کتاب «اینک اسرائیل» مهدی شیرازی) در این بین یهودیان ارتدکس که ماجرای اسرائیل، بیشتر روی زندگی آنها می‌چرخد، ریشه‌های شرقی دارند و به زندگی و آداب سنتی خود وفادارند و رهبران این فرقه مانند اخام «یوریل گلدمن» بارها عنوان کرده‌اند که استقرار دولت یهودی با زور و اشغال، مخالف با آموزه‌های تورات است و مانع از ظهور منجی می‌شود ولی از طرف دیگر یهودیان غربی تبار با همان اشکنازی‌ها که بیشتر جمعیت یهودیان ساکن در اسرائیل را شامل می‌شوند، کاملاً مخالف تفکرات یهودیان ارتدکس هستند و در طول زمان هم مدام با آنها در کشمکش بوده‌اند.



دشمنی دوذغین و ادامه دار

در سریال «غیر آرتدکس» نشان داده می‌شود که فضای آلمان هنوز هم برای استر که تازه وارد است، سنگین است و گویی غم آن همه کشتار باعث شده تا کشوری مانند آلمان برای یهودیان حتی نامش هم سنگین باشد ولی این مطلب کاملاً خلاف واقعیت است، مخصوصاً که طبق اسناد موجود بعد از اتمام جنگ جهانی دوم، این فضا کاملاً برای یهودیان خشتی بوده، «لئا گروندیش» زن یهودی آلمانی، که بعد از جنگ از آلمان به اسرائیل مهاجرت کرد و بعد از مدتی هم به خاطر دیدن ظلم یهودیان اسرائیل در مورد اعراب فلسطینی، برآحتی به آلمان بر می‌گردد، کاملاً خلاف این تفکرات را اثبات می‌کند. لئا گروندیش در صحبت‌هایش با مریم فیروز، عنوان می‌کند که ماجرای یهودی سنتیزی از طرف هیتلر بزرگ شده و همان طور که هیتلر با یهودیان دشمنی کرد، یهودیان اسرائیل هم به اعراب فلسطینی ظلم می‌کنند. (خطارات مریم فیروز موسسه تحقیقاتی دیدگاه)

البته در مورد یهودی سنتیزی هیتلر هم طبق پژوهش برخی مورخین آلمانی، یهودیان عبرانی (شاخه‌ای از یهودیان که تنها خودشان را از تبار بنی اسرائیل می‌دانند) با هیتلر معامله می‌کنند تا به منظور آماده‌سازی برای تشکیل دولت یهود، آن دسته از یهودیان غیرعبرانی (که از تبار بنی‌اسرائیل نیستند) کشته شوند. (کتاب «قرن‌غلیه» اوتوشه میرمرعی) البته در بین این، اگر یهودی برجسته‌ای که در علم یا هنر سرآمد بوده، در بین غیر عبرانی‌ها بود، صرف نظر از تبارش، از این اردوگاه‌ها به اصطلاح مرگ بار براحتی نجات پیدا می‌کند و به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کند.

شرقی تبارهایی که از قافله عقب هستند

در مینی سریال «غیرآرتدکس»، مخاطب می‌بیند که زندگی یهودیان ارتدکس و قوانین‌شان در کشوری مثل آمریکا که همه نوع بی‌بند و باری در آن رواج دارد، کاملاً متفاوت از جامعه مردم آمریکاست. در این سریال سعی شده این قوانین به سختگیرانه‌ترین شکل ممکن و در راستای همدردی مخاطب با شخصیت اصلی به تصویر کشیده شود.

برای مثال این یهودیان به شدت روی حلال و حرام و خوردنی‌ها حساس هستند و به هیچ وجه لب به مشروب نمی‌زنند و در جایی نشانی می‌دهند که استر در آرزوی خوردن زامبون است ولی جرئت امتحانش را ندارد… این قوانین که به همین جامدود است، مدام در ادامه وسعت پیدا می‌کند، به طوری که مخاطب می‌فهمد زنان این شاخه از یهودیان مدام حجاب بر سر دارند و در غیر این صورت موبایزشان را کوتاه می‌کنند و کلاه گیس به سر می‌گذارند. زنان در این جامعه باید از دستورات همسران خود تبعیت کنند و کارهایی مانند خوانندگی به شدت برای آنها زشت و غیر قابل قبول است.

سازندگان سریال «غیر آرتدکس» با هوشمندی تمام چهره‌ای بسیار متحجر از این شاخه از یهودیان را نشان می‌دهند و آنها را بسیار قدیمی گرا و امل به تصویر می‌کشند و سعی می‌کنند به مخاطب خود القا کنند که زندگی زنان در بین این یهودیان بسیار ناگوار است و به همین دلیل هم این شاخه همیشه در کشورهایی مثل آمریکا و کانادا مورد آزار دولت‌های غربی هستند و از آنجایی که یهودیان ارتدکس با تفکرات صهیونیستی هم به شدت زاویه دارند، مدام از جانب دولت کشوری که در آن زندگی می‌کنند، مورد هجوم قرار می‌گیرند و این دولت‌هایی می‌کنند سرپرستی فرزندانشان را بگیرند و آنها را تحت سرپرستی خانواده‌های یهودی اشکنازی در بیاورند… این مطلب که بیشتر یهودی غربی‌تبار با همان اشکنازی‌ها، صنعت فیلمسازی، کارخانه‌های تولید اسلحه و مشروب سازی و… فعالیت دارند و بیشتر چهره‌های مشهور از بین بازیگران و فیلم سازان یهودی هم از این شاخه هستند، نشان می‌دهد که چرا باید در این زمان سریالی مانند غیر آرتدکس ساخته شود و در آن یهودیان ارتدکس را متحجر و غیر قابل تحمل نشان بدهند.

خط قرمز

در سریال «غیر آرتدوکس» نشان داده می‌شود که نسل جدید یهودیان این داستان قرار است با تغییر سبک زندگی خود، سرونششان را عوض کنند. در همین جهت، شخصیت اول داستان یا همان استر، در این سفر از خوردن مشروب و غذای غیر حلال گرفته تا رابطه نامشروع و خوانندگی و… را انجام می‌دهد ولی وقتی صحبت از جنین چند ماهه‌اش می‌شود، با وجود اینکه نگهداری از این بچه برای او تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد و طبق یک سری پژوهی فمینیستی این سریال، استر عنوان می‌کند که ماشین تولید مثل نیست ولی با این وجود، استر به شدت به نگهداری از این بچه اصرار دارد چرا که طبق گفته خودش او با به دنیا آوردن فرزندانش باید جنبران کشته شدن آن شش میلیون نفر را بکند! استر در بین یهودیان نام مهمی بشمار می‌آید، مخصوصاً که این شخصیت در تاریخ و تورات، به عنوان زنی شناخته می‌شود که برای رسیدن به قدرت و نجات همکیشان خیانتکار خود، از هیچ جنایتی روی گردان نبود از این رو همان شدن شخصیت اول داستان سریال غیر آرتدکس از انواع هنجار شکنی‌های این زن، برای رسیدن به جایگاه اجتماعی بهتر، نمی‌تواند اتفاقی باشد… شخصیت استر در ظاهر فراتر است به زنی مستقل تبدیل شده که به دنبال آرزوهایش می‌رود و از تفکرات کهنه هم کیشانش جدا می‌شود ولی در نهایت او هنوز هم همان ماشین باروری است که مهم‌ترین نقشش در زندگی، ادامه نسل استن منتها اینبار در کنار و همگام با یهودیانی که ازژی برای شریعات دینی خود و حقوق انسانی دیگر انسان‌ها، قائل نیستند. مینی سریال «غیر آرتدکس» که تمام بازیگرانش یهودیان اسرائیلی هستند با وجود تبلیغات سازندگانش، خیلی مورد استقبال مخاطبین قرار نگرفت و در حد اثری سفارشی باقی ماند البته به خاطر تاکید بر همسوزاری یهودیان با تفکرات صهیونیستی، هیچ بعید نیست که این سریال برای فصل‌های بعدی توسط نقلیکس، تمدید شود.



جواد رضانقی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

مجید مجیدی (فیلمساز)

هادی محمدیان (یوتوبان)

فرخ‌الله سلحشور (فیلمساز)

ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز)

مهدی قلیه (بازیگر)

پروانه معصومی (بازیگر)

حسین یاری (بازیگر)

نادر میرباقری (فیلمساز)

پرویز شیخ طادی (فیلمساز)

شهرویار بحرانی (فیلمساز)

رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

ابوالقاسم طالبی (فیلمساز)

جمال شورهچ (فیلمساز)

تکان می‌خورد بازنمای فیلم‌هایی است که از داعش منتشر شده است.

مصائب مسیح و کلیشه برعکس
داگ راولینز که جیمز کاوزل نقش آن را برعهده‌دارد تا پایان فیلم شکنجه‌هایی را متحمل می‌شود که یادآور فیلم «مصائب مسیح» است و رفرنس مهم کار خود بازیگر و نمایش حلول دوباره از مسیح در جسم داگ

نگاهی به فیلم «کافر»

تلاش برای توجیه ترور سردار سلیمانی؛ ساخت حماسه از شکست

احسان رسیدی

راولینز است، در فیلم مصائب مسیح شاهد تفکر ضد صهیونیستی مل جیسون و با بازی جیمز کاوزل در نقش مسیح بودیم، حالا هالیوود با کلیشه برعکس سعی دارد ورق را بر سمت ایوانجلیست‌های مسیحی یهودی برگرداند و اینجا جای یهود را با جمهوری اسلامی تغییر داده تا تفکرات ضد بشری خود را بسا مظلوم‌نمایی در قالب یک فیلم جای دهند.

خلاصه فیلم

«داگ راولینز» روزنامه‌نگار مسیحی آمریکایی برای نشستنی درباره گفت‌وگوی ادیان به مصر می‌رود و در این سفر توسط سپاه قدس زرده و به ایران آورده شده و بسیار شکنجه می‌شود و در پایان یک گروه مسیحی زیرزمینی، او را نجات می‌دهند!

عوامل فیلم

جیمز کاوزل در نقش داگ راولینز، کلودیا



فیلم «کافر»، سعی دارد شکست جاسوسی آمریکا را تبدیل به یک حماسه تاریخی کند و دستگیری جیسون رضائیان را بخاطر مخالفت وی با مقاومت بیان می‌کند و شکست آمریکا و پرداخت بخشی از پول‌های بلوکه شده ایران در جریان تبادل جیسون رضائیان را کتمان و یک دروغ بزرگ را بلوکه شده ایران در جریان تبادل جیسون رضائیان را بیان می‌کند و شکست آمریکا و پرداخت بخشی از پول‌های کتمان و یک دروغ بزرگ را جایگزین واقعیت می‌کند.

واکنش به شهادت سردار سلیمانی
در هر کشوری، خیانت به وطن بدترین اقدام است و مردم آمریکا نیز سیروس نورسته را بخاطرش خیانت به کشورش ایران، قبول نخواهند کرد، او فردی است که برای سالگرد شهادت سردار ملی کشورش فیلمی خیانت‌بار

اتهام تکفیر
در فیلم «کافر» در سکانس ربودن داگ راولینز از مصر، دوربین در حالت لانگ شات است، ماشین‌های سپاه قدس و پرچمی که

صیانت از ششان حرفه‌ای مختص تمام شغل‌های شریف است. چه هنری چه غیرهنری! صیانت از شان و جایگاه حرفه‌ای یعنی: فعالان یک عرصه با حرفه؛ به بهترین حالت ممکن کار کنند؛ جدی و بدون کم‌فشاری یا عینی از آن شغل، نه نردبانی برای رسیدن به مطامع بوج دنیوی و نه ابزاری برای برکشیدن و هوی و هوس، که برای تعالی و رستگاری دنیوی و اخروی بهره گیرند. یعنی حریم حرفه‌ای شغلی را از ورود هر آفت و انگلی مصون بدارند و گزهی‌ها را اصلاح نمایند.
در ساحت سینما نیز صیانت از شان حرفه‌ای به شکل طبیعی مطرح بوده و هست. برخی برآندند که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا دولت باید از ششان حرفه صیانت کنند. چگونه؟ با تصویب و اعمال سیاست‌ها و قوانین خاصه و یا حمایت از هنرمندان بزرگ و… برخی نیز منتقدند صیانت از شان سینما بر عهده سینماگران است. آنان هستند که با تأکید و اصرار بر قوانین و قواعد هنری، از ورود نااهلان و بی‌هنران جلوگیری کنند و شأن سینما را پاس بدارند و بالا کشند. اما نگارنده بر آن است که صیانت از شأن سینما، اول به‌دست اهالی سینما و دوم از سبوی دولت باید گرمی‌داشته شود و پاسداری گردد. هر دو؛ چرا که هر کدام از این دو گروه یعنی دولت و سینماگران کارکردها و میزان قدرت و حوزه نفوذی دارند. دولت به اندازه سینماگر ساحت سینما را نمی‌شناسد و بر آن وقوف ندارد. هنرمند سینماگر نیز به میزان دولت، قدرت اجرایی ندارد و از حیث مادی و معنوی به دولت نیاز دارد. دولت با وضع قوانین و سینماگر با نگاه حرفه‌ای و هنری می‌توانند

آفت‌زدایی سازند و عرصه سینما را پالایش نمایند. ضمن اینکه صیانت از سینما به‌دست هنرمند باید واجد اخلاق‌گرایی شود نه صرفا ملاک قرار دادن شئون هنری. تا این خصیصه حادث نشود، پریشانی از آفات و تلاش برای برکنشیدن سینما، بی‌اثر است.

مدتی است فضای مجازی مملو از تصاویر و دیدگاه‌های سطحی برخی از منسویان به اردوگاه سینماست. تصاویر و مطالبی که در شأن یک هنرمند نیست و برخی ناخوسته و ندانسته حکم به بی‌ریشه‌گی و سطحی‌نگری همه سینماگران می‌دهند. این یعنی متأسفانه صیانت از شان حرفه‌ای در ساحت سینما رعایت نشده است، یعنی اهمال صاحبان سینما و یعنی اهمال سازمان سینمایی کشور. جز این معنای دیگری متصور نیست!

نگاهی به فیلم سینمایی «روزهای نارنجی»

جنگ نابرابر با ریتمی کشدار!

محدثه میرحسینی

فیلم روزهای نارنجی حکایت «آبان» زنی ۴۵ ساله است که واسطه استخدام کارگران فصلی است. داستان زندگی پر فراز و نشیب زنی که اگر چه پیرنگ اصلی‌اش واسطه شدن برای استخدام کارگران زن فصلی برای کار در باغ‌های مرکبات شمال کشور است، اما این تنها بستری است برای روایت یک رابطه ناشوویی که زیر بار بحران هویت مرد و زنانگی زن، به تکاپویی نافرمان می‌رسد.

فیلم در واقع بیانگر وضعیتی است که در دوران جدید می‌توان آن را از آبخیزورهای اصلی زندگی مدرن شهری نامید و دانست.

اینکه یک زن مینا و نامر و مجبور موقعیت معیشتی و داد و ستدهای کاری یک خانواده بزرگ منمشکل از خودش، همسرش و فرزندش از سوئی، و جمع کثیری از زنان کارگر از سوی دیگر می‌شود.

موقعیت داستانی اصلی دارد و آن اینکه یک زن در برابر فضا و مصایب کار سخت کشاورزی و جمع کردن محصولات و در کشمندی با کارگردان فصلی و همچنین رقابت با سایر رقبای این شغل سخت، فراز و فرودهای بسپری را باید تحمل کند و کج دار و مریض، به حرکتش ادامه دهد.

این بستر داستانی اما موقعیتی می‌شود برای روایت یکی از خطیرترین و جدی‌ترین مفاهیم مدرن اجتماعی که عبارت است از استیلا و



این است که فیلمساز فرصت تنفس کردن را از خودش، قصه‌اش و بالتبع، تماشاکرش می‌گیرد و نمی‌تواند در اثنای روایت، مقادیری از موقعیت‌های مثبت و حتی خشتی را برای ذره‌ای فروکاهدند از این حجم سنگین غم و اندوه و سیهایی و عصیبت و مصیبت برایش تدارک ببیند.

اما از منظر اجرایی و شکل سینمایی با فیلم کشداری به لحاظ ریتم روبرویم. صحنه‌های اضافی طولانی، عدم در هم تنیدگی به جهت تدوین، موسیقی بی‌اندازه و نامتناسب، دوربین استنادرد به تناسب فرمی و روایات منسجم و گرمی قصه‌گویی برسد، مجبور می‌شود دست به کارهایی بزند که این فیلم و امثالش به آن مبتلا شده‌اند و از آن جمله می‌توان به ایده‌های غلطی مثل فرم دوربین روی دستنی مدرن پایان باز، منجر می‌شود.

از نکات دیگری که می‌توان مطرح کرد این است که تکرار در بازی دفرمه و منفعل علی مینفا در نقش مردان بی‌هویت تا کجا بناسنت می‌تواند تا نباید از فیلم روزهای نارنجی توقع داشته باشیم که برای معضل و مشکلی که به تصویر می‌کشد راحل و یا روزنه‌ای روشن هم ارائه دهد اما می‌توانیم متوقع باشیم که این موقعیت معضل گونه به درستی روایت و به شکل قابل قبولی به مخاطب فهمانده شود و این همان ایراد اصلی و حفره بزرگ و هویدای فیلم است که البته از فقدان قصه به اندازه کافی

و نیز فیلمنامه نشات می‌گیرد.
و این در حالی است که فیلم، گویایی توانمندی‌هایی در کارگردان جوان و مستعدش است که کاش با دقت و حساسیت بیشتری به بسترهای سازنده و نیازهای بایسته فیلمش- مخصوص قصه و فیلمنامه- توجه می‌کرد و امید که در کارهای بعدی، چنین کند.